

سیرت

رضی اللہ عنہن

صحابیات

مختصر زندگانی زنانی کہ پیامبر ﷺ را دیدند، وبہ آن ایمان آوردند.

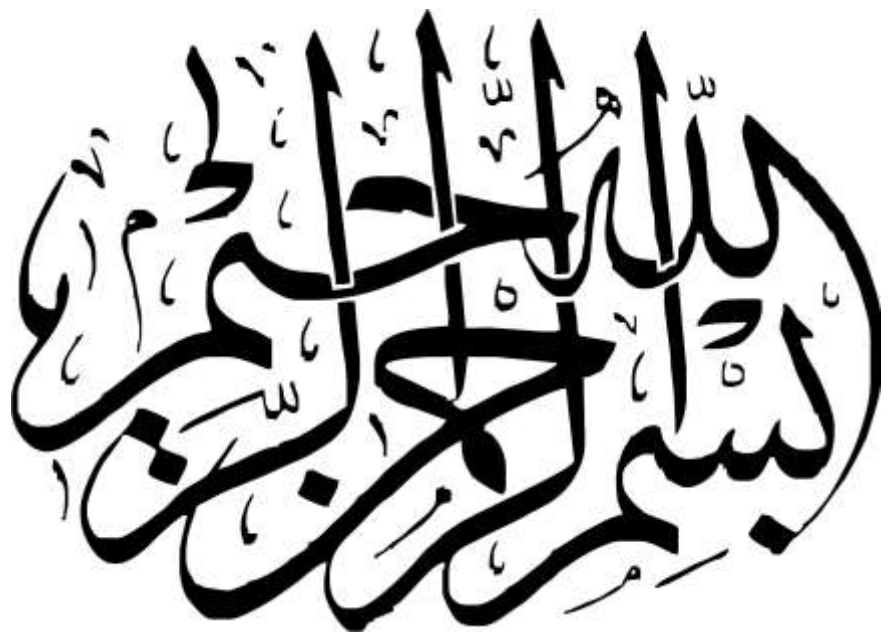


شاکرالذہبی

(اللہ عزوجل، بدر وادارہ را بخشاید)

Ketabton.com





چاپ و نشر این کتاب برای هر مسلمان آزاد است



سیرت مختصر صحابیات

فهرست مطالب

صفحه

| | |
|--|--------|
| مقدمه..... | ۱۰/ |
| همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم..... | ۱۲/ |
| آشنائی با چند تن از زنان صالحه، قبل از پیامبر اسلام..... | ۱۹/ |
| ساره علیها السلام..... | ۱۹/ |
| هاجر علیها السلام..... | ۱۹/ |
| آسیه علیها السلام..... | ۲۰/ |
| مریم علیها السلام..... | ۲۴-۳۵/ |

سیرت مختصر صحابیات رضی الله عنهن

«ا»

| | |
|--------------------------------------|-----|
| اسماء رضی الله عنها..... | ۳۷/ |
| ام حبیبه رضی الله عنها..... | ۳۷/ |
| ام حرام رضی الله عنها..... | ۳۸/ |
| ام خالد بن خالد رضی الله عنها..... | ۳۹/ |
| ام کلثوم بنت عقبه رضی الله عنها..... | ۳۹/ |
| ام سلمه رضی الله عنها..... | ۴۰/ |
| ام عطیه رضی الله عنها..... | ۴۰/ |
| ام هانئ رضی الله عنها..... | ۴۱/ |
| أم سلیط رضی الله عنها..... | ۴۱/ |



سیرت مختصر صحابیات

- ۴۲/.....امیه بنت محسن رضی الله عنها.
- ۴۲/.....ام سلیم رضی الله عنها.
- ۴۳/.....ام علاء رضی الله عنها.
- ۴۳/.....أمامة رضی الله عنها.
- ۴۴/.....ام حبیبہ بنت جحش رضی الله عنها.
- ۴۴/.....اسماء بنت یزید انصاری رضی الله عنها.
- ۴۶/.....اسماء بنت عمیس رضی الله عنها.
- ۴۶/.....انیسه بنت خیب رضی الله عنها.
- ۴۶/.....امیمہ بنت رقیقہ رضی الله عنها.
- ۴۶/.....ام بجید رضی الله عنها.
- ۴۷/.....ام درداء رضی الله عنها.
- ۴۸/.....ام عمارہ رضی الله عنها.
- ۴۹/.....ام فضل رضی الله عنها.
- ۴۹/.....ام فروہ رضی الله عنها.
- ۵۰/.....ام قیس بنت محسن رضی الله عنها.
- ۵۰/.....ام المنذر رضی الله عنها.
- ۵۰/.....ام معبد بنت خالد رضی الله عنها.
- ۵۱/.....ام معبد بنت کعب رضی الله عنها.
- ۵۱/.....ام مالک بہزیہ رضی الله عنها.



سیرت مختصر صحابیات

«ب»

بریره رضی اللہ عنہا..... ۵۲/

بسرہ رضی اللہ عنہا..... ۵۲/

بہیسہ رضی اللہ عنہا..... ۵۲/

«ج»

جویریہ أم المؤمنین رضی اللہ عنہا..... ۵۳/

«ح»

حفصہ رضی اللہ عنہا..... ۵۴/

حمنہ بنت جحش رضی اللہ عنہا..... ۵۴/

«خ»

خدیجہ أم المؤمنین رضی اللہ عنہا..... ۵۶/

خولہ بنت قیس رضی اللہ عنہا..... ۵۷/

خولہ بنت حکیم رضی اللہ عنہا..... ۵۷/

خولہ بنت ثامر رضی اللہ عنہا..... ۵۸/

خولہ بنت قیس رضی اللہ عنہا..... ۵۸/

خنساء رضی اللہ عنہا..... ۵۸/

خنساء بنت خزام رضی اللہ عنہا..... ۵۹/



سیرت مختصر صحابیات

«ر»

ربیع بنت معوذ رضی اللہ عنہا..... ۶۰/

ربیع بنت نضر رضی اللہ عنہا..... ۶۰/

«ز»

زینب بنت جحش رضی اللہ عنہ..... ۶۲/

زینب رضی اللہ عنہا..... ۶۳/

زینب بنت عبداللہ رضی اللہ عنہا..... ۶۳/

«س»

سمیہ رضی اللہ عنہا..... ۶۴/

سودہ أم المؤمنین رضی اللہ عنہا..... ۶۵/

سبعیہ رضی اللہ عنہا..... ۶۵/

سہیمہ بنت عمر رضی اللہ عنہا..... ۶۶/

سلمی رضی اللہ عنہا..... ۶۶/

«ش»

شفاء رضی اللہ عنہا..... ۶۷/

«ص»

صفیہ بنت حی رضی اللہ عنہا..... ۶۹/



سیرت مختصر صحابیات

٦٩/.....صفيه بنت عبدالمطلب رضى الله عنها

٧٠/.....صفيه بنت ابويعيد رضى الله عنها

٧١/.....صفيه بنت شيبه رضى الله عنها

٧١/.....صماء بنت بسر رضى الله عنها

«ع»

٧٢/.....عائشه أم المومنين رضى الله عنها

٧٢/.....عمرة بن رواحه رضى الله عنها

«غ»

٧٤/.....غميصاء رضى الله عنها

«ف»

٧٤/.....فاطمه رضى الله عنها

٧٤/.....فاطمه بنت خطاب رضى الله عنها

٧٤/.....فاطمه بنت أبو حبيش رضى الله عنها

٧٧/.....فاطمه بنت قيس رضى الله عنها

٧٨/.....فريعه بنت مالك رضى الله عنها

«ق»

٧٩/.....قيله بنت مخرمه رضى الله عنها



سیرت مختصر صحابیات

«م»

۸۰/..... میمونه رضی الله عنها

«ن»

۸۱/..... نسیبه رضی الله عنها

«ه»

۸۲/..... هند بنت عتبه رضی الله عنها

«ی»

۸۳/..... یسیره رضی الله عنها



مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَالَ لَهُ، وَمَنْ يَضَلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

برای ما لازم است تا با دانشمندان دین خویش آشنائی حاصل کنیم، بخصوص کسانی که دین به وسیله آنها به میان رسید.

برخی از عزیزان، برای من پیشنهاد کردند تا مختصراً اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را به معرفی بگیرم، بنده به جواب آنها لبیک گفته، و در چندین سلسله اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را بسیار مختصر به معرفی گرفتم. در این کتاب صرف به سیرت و زندگانی صحابیات^۱ پرداخته ام، فقط چند تن از زنان صالحه‌ی قبل از پیامبر صلی الله علیه وسلم را نخست ذکر می‌کنم، و پس از آن به زندگانی همسران پیامبر اسلام و صحابیات رضی الله عنهن پرداخته ام.

در بیان زندگانی صحابیات چند فائده مرتب است:

۱. با صحابیاتی که احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را روایت کرده اند، آشنائی حاصل می‌کنیم،
۲. فراگیری علم و دانش، (و نیز) تبلیغ و دعوت تنها منحصر و مختص برای قشر «مردان» نبوده، و زنان نیز در این فریضه سهم دارند،

۱) صحابه و صحابی: کسی که با پیامبر صلی الله علیه وسلم ملاقات کرده باشد، یا پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدار کرده و به وی ایمان آورده و بر ایمان نیز از دنیا رفته باشد.



۳. آنانی که دنبال نام های نیکو برای فرزندان شان هستند، با آشنائی با صحابیات می توانند نام فرزند خویش را انتخاب کنند^۱،
۴. با اینکه امروز جوانان ونوجوانان الگوهای حقیقی خود را فراموش کرده اند، با مطالعه ی زندگانی صحابیات؛ الگوهای حقیقی خویش را درمیابند،
۵. با کسانی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آوردند، وبه ملاقات او شرف یاب گردیدند، آشنائی حاصل می کنیم، زیرا شناخت صحابه و صحابیات ومحبت با آنان از ایمان است.
- از الله عزوجل تمنا دارم این تلاش ناچیز من را در میزان حسناتم بیفزاید.

"وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله و صحبه أجمعین"

شاکرالذهبی

پشاور - پاکستان

(۱) الله عزوجل شهادت پدر من را بپذیرد، او می گفت: کسانی که اسم نیکو ومؤثر برای فرزندان شان می خواهند، پس قسمت اخیر مشکاة المصابیح (اسماء الرجال) را مطالعه کنند، اگر فرزند شان پسر باشد، پس از صحابه، تابعین وتبع تابعین انتخاب نمایند، و اما اگر فرزند شان دختر باشد، از صحابیات وتابعیات انتخاب نمایند. این سخن شان مرا وا داشت تا این کتاب را بنویسم.

همسران پیامبر

صلی الله علیه وسلم

به یاری الله عزوجل، کتاب خود را از همسران پیامبر
صلی الله علیه وسلم شروع می کنیم:

در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم حافظ ابن حجر
رحمه الله^۱ می گوید:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره آمدند،
تنها یک همسر داشتند که سوده رضی الله عنها باشد، بعد از آن با
عائشه رضی الله عنها عروسی کردند، و بعد از آن در سال سوم و
چهارم هجری با ام سلمه، و حفصه، و زینب بنت خزیمه، و بعد از
آن در سال پنجم با زینب بنت جحش، و در سال ششم با جویریّه،

(۱) او، ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد عسقلانی [۲۵۸ - ۳۷۷هـ - ق] محدث
و فقیه و مؤرخ مصری شافعی اصلاً از عسقلان فلسطین بوده ولی در قاهره تولد و در آنجا
وفات یافته است. ابن حجر در سال ۷۲۶ منصب قاضی القضاتی (منظور: رئیس قاضیان آن
عصر) یافت، با این صفت پیوسته به تدریس و وعظ اشتغال داشت. بیش از یک صد و پنجاه
تألیف داشته و از آن جمله است: الإصابة فی تمييز الصحابة و فتح الباری فی شرح صحیح
البخاری.



و در سال هفتم با صفیه و ام حبیبه و میمونه رضی الله عنهن
جمعاً ازدواج نمودند.

**علامه ابن قیم رحمه الله^۱ در مورد ازواج مطهرات به
تفصیل بیشتری صحبت کرده و می گوید:**
ازواج مطهرات عبارت بودند از:

۱- خدیجه رضی الله عنها که پیامبر صلی الله علیه وسلم با
وی پیش از نبوت ازدواج نمودند، سن وی چهل سال^۲ بود، و تا
وقتی که زنده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم همسر دیگری
نگرفتند، تمام اولاد پیامبر صلی الله علیه وسلم با استثنای ابراهیم

(۱) او محمد بن ابی بکر ایوب بن سعد زرعی دمشقی ابو عبدالله شمس الدین می باشد، پدر
ایشان قیم مدرسه جوزیه بود لذا ایشان به قیم الجوزیه لقب یافته بود، یکی از علماء بزرگ بود
در نزد امام ابن تیمیه زانوی تلمذ زد به گونه ای که از اقوال ایشان خارج نمی شد. در سال ۹۹۱
هجری متولد شد و به سال ۷۵۱ به عالم باقی شتافت.

ابن قیم یکی از پایه های اصلاح اسلامی و یکی از دانشمندان بزرگ که آثار زیادی از خود به
یادگار گذاشته است از جمله: «اعلام الموقعین»، «زاد المعاد»، «هدایة الحیاری» و غیره. «الوافی
بالوفیات» (۲/ ۲۷۰ - ۲۷۲)، «جلاء العینین»، ص ۳۰، «الاعلام» (۲۸۰ - ۲۸۱).

(۲) البته برخی از تاریخ نویسان مانند ابن عساکر معتقد است که خدیجه رضی الله عنها هنگام
ازدواج با رسول الله صلی الله علیه وسلم بزرگ سال نبوده، وهم سن و سال آنجناب صلی الله
علیه وسلم بودند، وشهید یاذن الله، شیخ رحمتی نیز این نظر را تأیید کرده است. - الله تعالی
بهتر می داند -.



سیرت مختصر صحابیات

از وی بود، و این یگانه زنی است که الله متعال به واسطه جبرئیل علیه السلام برایش سلام فرستاد.

ب- بعد از خدیجه رضی الله عنها با سوده بنت زمعه

رضی الله عنها ازدواج نمودند، و همین سوده بود که نوبت خود را برای عائشه رضی الله عنها داد.

ج- بعد از آن عائشه صدیقه بنت صدیق رضی الله

عنها ازدواج نمودند، عائشه رضی الله عنها دارای فضائل بسیاری است، از آن جمله اینکه: براءتش از آسمان نازل گردید، و کسی که وی را قذف نماید به اجماع علماء کافر و مرتد، و خارج از دین اسلام است^۱، و یگانه کسی است که در بسترش بر پیامبر صلی الله

(۱) ابن کثیر درباره وقایع سال ۲۴۱ هجری نقل می کند: «در این سال حاکم عباسی، متوکل علی الله دستور به تازیانه زدن یکی از افراد سرشناس بغداد داد. وی به شدت زده شد. می گویند که هزار تازیانه به وی زده شد تا اینکه مرد. علت امر این بود که هفده مرد نزد قاضی شرقی، ابوحسان زیادی شهادت دادند که آن مرد، ابوبکر و عمر و عائشه و حفصه - رضی الله عنهم - را سرزنش و بدگویی نمود. این خبر را به حاکم عباسی، متوکل علی الله رساندند، نامه او به محمد بن عبدالله بن طاهر بن حسین، نایب او در بغداد رسید که به وی دستور می دهد در حضور مردم، حد سب و ناسزاگویی را بر آن مرد اجرا کند. سپس با تازیانه زده شود تا اینکه بمیرد. بعداً در دجله انداخته شود. و بر او نماز جنازه خوانده نشود تا بدین وسیله ملحدان و دشمنان پند گیرند. او هم چنین کاری را در حق آن مرد کرد». سپس ابن کثیر می گوید: «چنین عملی بنا به اجماع علماء موجب کفر است اگر عائشه را قذف نماید، اما راجع به قذف دیگر زنان پیامبر دو قول وجود دارد که بنا به قول صحیح، این عمل هم کفر است، زیرا



آنان همسران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هستند و او از آنان راضی و خوشنود بوده است.»

ابن ابی الدنیا - که شاهد ماجرا بوده - نقل می کند: «در کنار پل ایستاه بوم، و قاضی ابوحسان و جمعیت زیادی هم در آنجا حضور داشت. متوکل با تازیانه های تر و بسته بندی شده در دستمال دیبقی رو به او کرد و به وی دستور داد که هزار تازیانه به صاحب «خان عاصم» بزند، زیرا افراد معتمد و اهل ثقه شهادت داده اند که او به ابوبکر و عمر ناسزا گفته و عایشه را قذف نموده است. کسی این را انکار ننمود و آن مرد توبه نکرد. هنوز میوه ها بر روی تازیانه ها بود. در حضور قاضی شروع به زدند شد و مأموران پلیس هم ایستاده بودند آن مرد گفت: ای قاضی، مرا کشتی. ابوحسان به وی گفت: حق تو را کشت، چون تو به زن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تهمت زنا زدی و خلفای راشدین و هدایت یافته را سرزنش و بدگویی نمودی.» (تاریخ دمشق، اثر ابن عساکر، در ضمن زندگی نامه ابوالحسن زیادی)

همچنان، ابن کثیر درباره حوادث جمادی الاول سال ۷۴۴ هجری نقل می کند: «در صبح دوشنبه بیست و یکم جمادی الاول، حسن بن شیخ سکاکنی در بازار در ملام عام کشته شد. علت قتلش این بود که سب و بدگویی صحابه که بر کفر محض دلالت می کرد از او صادر شد. نزد قاضی شرف الدین مالکی، شهادت های زیادی داده شد که همگی بر کفرش دلالت می کردند و اینکه او رافضی است. از جمله چیزهایی که شاهدان از آن مرد شنیدند و بعداً نزد قاضی بدان شهادت دادند، عبارت بود از: تکفیر ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما - تهمت زنا به مادران مؤمنان، عائشه و حفصه - رضی الله عنهما - این گمان که جبرئیل اشتباه کرده که به محمد وحی آورد چون او مأمور بود تا به علی وحی آورد، و دیگر سخنان باطل و ناروا.»

مردی از رافضی ها در حضور حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب به ام المؤمنین عایشه صدیقه دختر ابوبکر صدیق - رضی الله عنها - تهمت زنا زد. حسن بن زید گفت: «ای غلام، گردن این مرد را بزن.» علویان به حسن بن زید گفتند: این مردی از شیعیان ماست. گفت: «پناه به الله! این مرد بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - طعنه زده و از او بدگویی کرده است، الله متعال می فرماید:

﴿الْحَيْثَاتُ لِلْحَيْثِينَ وَالْحَيْثُونَ لِلْحَيْثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (۲۶) ﴿[النور: ۲۶].



«زنان ناپاک برای مردان ناپاک و مردان ناپاک برای زنان ناپاک اند. و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند. آنان از آنچه درباره شان می گویند، مبرا هستند و برایشان بخشش (پروردگار) و روزی فراوان هست.»

پس اگر عائشه، ناپاک باشد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هم ناپاک است. این مرد کافر است و گردنش را بزنید». پس گردنش را زدند. (لالکائی آن را در کتاب «شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة» روایت کرده است)

قاضی ابویعلی می گوید: «هر کس به عائشه تهمت زنا بزند در حالی که الله وی را از آن تهمت مبرا نموده، بدون هیچ اختلافی میان علماء کفر ورزیده است». (الصارم المسلول، فصل «فأما من سب أزواج النبي - صلی الله علیه وسلم -»)

امام مالک می گوید: «از ماجرای افک معلوم می شود که هر کس عائشه را به زنا متهم کند، کافر است. ائمه ما و دیگران به این امر تصریح کرده اند، زیرا نسبت دادن زنا به عایشه مستلزم تکذیب نصوص قرآنی است و تکذیب کننده نصوص قرآنی هم بنا به اجماع مسلمانان کافر است. و بدین صورت تکفیر بسیاری از رافضی ها معلوم می شود، زیرا آنان صحابه را به امور ناروا و ناپسند متهم می کنند». (الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع والزندقه، باب سوم، فصل دوم)

امام ابوحنیفه رحمه الله می گوید: «و عائشه - رضي الله عنها - پس از خدیجه کبری - برترین زنان دنیا و مادر مؤمنان است، و از زنا و آنچه که رافضی ها می گویند، پاک و بري است. پس هر کس وی را به زنا متهم کند، زنازاده است». (الطبقات السنية فی تراجم الحنفية، خلاصه ای از مناقب و فضائل امام علی و محاسن و حسن اعتقادی که داشت)

نظام الدین هندی می گوید: «رافضی هر گاه به ابوبکر و عمر ناسزا گوید و - العیاذ بالله - آنان را لعنت و نفرین نماید، کافر است ... و اگر به عائشه - رضي الله عنها - تهمت زنا بزند، به الله کفر ورزیده است ... هر کس امامت ابوبکر صدیق - رضي الله عنه - را انکار نماید، کافر است و بر اساس قول بعضی از علمای حنفی چنین فردی مبتدع است نه کافر. و صحیح این است که چنین فردی کافر است. همچنین هر کس خلافت عمر - رضي الله عنه - را انکار نماید بنا به قول اصح، کافر است. اگر رافضی ها عثمان و علی و طلحه و زبیر و عایشه - رضي الله عنهم - را کافر بدانند، تکفیرشان واجب است. همچنین تکفیر رافضی ها در اعتقادشان به



سیرت مختصر صحابیات

علیه وسلم وحی نازل گردید، عالم‌ترین، و فقیه‌ترین زن‌های امت است، پیامبر صلی الله علیه وسلم جز با وی با زن بکر دیگری ازدواج نکردند.

د- بعد از آن با حفصه بنت عمر بن خطاب رضی الله

عنها ازدواج نمودند، و در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم وی را طلاق دادند، و دوباره به وی رجوع از ازدواجش وفات نمود.

ه- بعد از وی با زینب بنت خزیمه بن حارث قیسیه

ازدواج نمودند، و بعد از دو ماه از ازدواجش وفات نمود.

و- بعد از آن با ام سلمه بنت ابی أمیه قرشیه مخزومیه

ازدواج نمودند، و ام سلمه رضی الله عنها آخرین همسرشان بود که وفات نمود.

ز- بعد از آن با زینب بنت جحش رضی الله عنها

ازدواج نمودند، و درباره همین زینب بود که این قول الله متعال

رجعت و بازگشت مردگان به دنیا، تناسخ ارواح، انتقال روح الله به ائمه، و اعتقادشان درباره ظهور امام مخفی، و تعطیل کردن امر و نهی تا اینکه امام مخفی ظهور کند و اینکه می گویند جبرئیل اشتباه کرده که وحی را به جای علی بن ابی طالب به محمد - صلی الله علیه وسلم - آورد، این گروه از ملت و دین اسلام خارج اند و احکامشان، احکام مرتدان است. همچنین طایفه ظهیریه همین حکم را دارند». (الفتاوی الهندیة، کتاب السیر، باب نهم، مطلب «موجبات الکفر أنواع»).



سیرت مختصر صحابیات

نازل گردید: ﴿فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا﴾ [الأحزاب: ۳۷]، و به همین سبب بر دیگر ازواج مطهرات افتخار نموده و می‌گفت که: شما را اقوام شما به ازدواج دادند، و مرا الله از بالای هفت آسمان به ازدواج داد.

ح- بعد از آن با جویریة بنت حارث ازدواج نمودند.

ط- بعد از آن با أم حبیبه که رمله بنت ابی سفیان باشد، ازدواج نمودند، با وی وقتی که در حبشه بود ازدواج نمودند، و عوض پیامبر صلی الله علیه وسلم نجاشی برایش چهار صد دینار مهر داد.

ی- بعد از آن با صفیه بنت حیی بن أخطب که از اولاد هارون بن عمران علیه السلام است ازدواج نمودند، وی به اسارت درآمده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم او را آزاد ساختند، و آزادی‌اش را برایش مهر قرار دادند.

ک- بعد از آن با میمونه بنت حارث هلالیه ازدواج نمودند، و میمونه رضی الله عنها آخرین ازواج مطهرات است، که بعد از وی با زن دیگری ازدواج نکردند.^۱

۱) فیض الباری، (۱/۵۶۷).

آشنائی با چند تن از زنان صالحه ، قبل از پیامبر اسلام

ساره علیها السلام

ساره بنت هاران بن تارخ همسر و دختر عموی ابراهیم علیہ السلام بود.

ساره مادر اسحاق علیہ السلام بود، وهنگام تولد اسحاق علیہ السلام، مادرش(ساره) نود سال سن داشت.

وقتی که ساره از مژده ای تولد فرزند، آگاهی پیدا کرد، شادمان شد و خندید و تعجب کرد و گفت چگونه ما در این سن و سال دارای چنین فرزندی می شویم.

طبق قول اهل کتاب، ساره پیش از وفات ابراهیم علیہ السلام در منطقه حبرون در سن صدو بیست هفت سالگی درگذشت.^۱

هاجر علیها السلام

آجر کنیزی بود از هالی مصر، و بعضی آن را (هاجر) می گویند، و همین هاجر، مادر اسماعیل علیہ السلام بودند. وقتی که اسماعیل علیہ السلام متولد شد، جبرئیل علیہ السلام آمد و برای ابراهیم

(۱) برای تفصیل مراجعه شود به البدایة والنہایة، از ابن کثیر رحمه الله.



سیرت مختصر صحابیات

علیه السلام وحی آورد که هاجر خاتون و پسرش را اسماعیل به ولایت حجاز ببرد و ابراهیم؛ به فرمان الله آنها را به محل بیت الله الحرام در حجاز برد.

هنگامی که ابراهیم علیه السلام هاجر خاتون و اسماعیل را در محل کعبه الله در مکه مکرمه گذاشت و خودش به طرف فلسطین رهسپار شد. مشکه آبی که برایشان آورده بود تمام شد. هاجر خاتون بسیار ناراحت شد هفت بار از کوه صفا به طرف کوه مروه برای پیدا کردن آب رفت. بار هفتم هنگامی که برگشت دید که کنار اسماعیل؛ در زمین آب پیدا شده است. هاجر خاتون بسیار شادمان شد و از الله عزوجل خواست که آب در جای خودش راکد باشد و جاری نشود و گفت: زمزم یعنی آب با اراده الله عزوجل در جای خود بایست و تکان نخورد.

و دستور رفت و برگشت حجاج بین کوه صفا و مروه تا هفت بار از این جریان نشأت کرده است.

هاجر علیها السلام در حجر مدفون گشت.^۱

آسیه علیها السلام

او، همسر فرعون «آسیه» دختر «مزامح» نام داشت.

(۱) برای تفصیل مراجعه شود به البدایة والنهایة، از ابن کثیر رحمه الله.



آسیه موسی علیه السلام را بزرگ کرد و در حق او نیکی نمود و هنگامی که به پیامبری مبعوث شد به او ایمان آورد.

آسیه همسر فرعون، الگو و نمونه ای برای زنان بود، حتی قرآن آن را با ضرب المثل و عبرت بیان داشته: الله متعال فرمود:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱) وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنِ الْقَانِنِينَ﴾ [التحریم: ۱۲].

ترجمه: «و برای کسانی که ایمان آورده اند الله همسر فرعون را مثل آورده؛ آنگاه که گفت: پروردگارا، پیش خودت در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش و از گروه ظالمین نجات ده.»

آری! آسیه، نماد و الگوی آشکاری برای هر آن کسی است که می خواهد در زندگی از آیین الهی پیروی کند و به راه او رهنمود شود.

به راستی که این زن، چقدر عاقل و دانا بوده است؛ او، همسایگی و جوار الهی را طلب نمود و پیش از آنکه خانه را بخواهد، جوار و همسایگی الهی را بر آن مقدم نمود؛ او از فرعون



ستمگر و کافر اطاعت نکرد و زندگی در کاخ فرعون را با تمام فریبندگی هایش نپذیرفت و خانه ای زیباتر و بهتر در جوار پروردگار جهانیان را خواستار شد، آری! او می خواست در باغها و رودبار های بهشت در جایگاهی زیبا نزد الله عزوجل زندگی کند.

به راستی که او زن بزرگی بود؛ زیرا صداقت و همت والایش، او را به جایی رسانید که سخن حق و ایمان را آشکارا در مقابل همسر سرکش و ستمگرش بیان کرد، و بدین خاطر در راه الله شکنجه شد و در نهایت در جوار رحمت الهی قرار گرفت و در بهشت برین سکنی گزید. الله متعال، او را برای زنان و مردان مؤمن، در تمام ادوار تاریخ، الگو و سرمشق قرار داده و این بانوی بزرگوار را در کتاب خویش ستوده و اسم او را در کتاب خود ثبت نموده و عمل او را مورد ستایش قرار داده و شوهرش را که از راه و آیین الهی منحرف گشته بود، نکوهیده است.

از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«حسبک من نساء العالمین مریم ابنة عمران و خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و آسیة امرأة فرعون»^۱.

۱) ترمذی، در صحیح خود به شماره ۳۸۷۸؛ و احمد در مسند خود، ۱۳۵/۳؛ و حاکم، ۱۵۷/۳ آن را روایت کرده اند و اسناد آن صحیح است.



سیرت مختصر صحابیات

یعنی: «از میان زنان جهانیان، مریم دختر عمران، و خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد، و آسیه زن فرعون، تو را بس است».

از ابن عباس روایت شده است که می گوید، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«سيدات نساء أهل الجنة بعد مریم بنت عمران فاطمة وخدیجة وآسیة امرأة فرعون»^۱.

یعنی: «سروران زنان بهشتی پس از مریم دختر عمران، فاطمه و خدیجه و آسیه زن فرعون می باشند».

در صحیحین از ابی موسی اشعری روایت است که گفت: پیامبر الله - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمود:

«كَمَلَمِنْ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَمَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الشَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ»^۲.

(۱) طبرانی، در «معجم الكبير»، به شماره ۱۲۱۷۹ آن را روایت کرده و اسناد آن حسن است.
(۲) أخرجه ابن أبي شيبة (۳۸۹/۶)، رقم (۳۲۲۷۶)، وأحمد (۳۹۴/۴)، رقم (۱۹۵۴۱)، والبخاری (۱۲۵۲/۳)، رقم (۳۲۳۰)، ومسلم (۱۸۸۶/۴)، رقم (۲۴۳۱)، والترمذی (۷۰۶/۵)، رقم (۳۸۸۷).
وأخرجه أيضًا: الطيالسی (ص ۶۸، رقم ۵۰۴)، والنسائی فی الكبرى (۹۳/۵)، رقم (۸۳۵۳).



یعنی: «از مردان افراد زیادی به کمال رسیدند، و از زنان جز مریم دختر عمران و آسیه زن فرعون کسی به کمال نرسیده است، و فضیلت و برتری عایشه بر زنان مانند فضیلت ثرید بر سایر غذاهاست».

مریم علیها السلام

مریم دختر عمران صدیقه‌ی باکره و دختر عقیقه‌ای است که در حجره‌ی فضیلت و پاکی تربیت یافت و پاک زیست. الله متعال در جاهای متعددی از قرآن به تعریف و تمجید از او پرداخته است. ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ﴾ [التحریم: ۱۲].^۱

پدرش عمران مردی بزرگوار و دانشمندی فرزانه‌ای از دانشمندان بنی اسرائیل بود. همسرش (مادر مریم) (به روایت ابن اسحاق) عقیم بود نذر کرد اگر حامله شود فرزند خود را به خدمت بیت المقدس اختصاص می‌دهد. الله دعای او را استجاب نمود و مریم حامله گردید چون وضع حمل کرد،

(۱) همچنین الله مریم دختر عمران را مثل زن است که دامن به گناه نیالوده و خود را پاک نگاه داشت و ما از روح متعلق به خود در آن دمیدیم و او سخنان پروردگارش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از زمره‌ی مطیعان فرمانبرداران بود.



دید آنچه از او جدا شده دختر است در حالی که انتظار پسر می کشید تا به خدمت بیت المقدس اختصاص داده شود. از باب اعتذار و تأسف دست دعا به سوی الله بلند کرد و گفت:

﴿ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَئِنِ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾ [آل عمران: ۳۶].^۱ اما الله آن را نیکو پسندید و به صورت نیکو پرورش داد و او مادرش را از شر شیطان مصون نگاه داشت.

مریم تحت کفالت زکریا

در حالی که مریم طفلی صغیر بود پدرش عمران از دنیا رفت، مریم به کسی احتیاج داشت که مراقبش باشد و او را پرورش کند، مادرش او را به مسجد برد و تسلیم عابدان و پارسایان مقیم آنجا نمود، در مسئله کفالت او با هم اختلاف کردند. سرانجام زکریا که پیامبر آن عصر و شوهر خواهرش (و به گفته‌ای شوهر خاله‌اش) بود مسئولیت کفالت او را بعهده

(۱) گفت: الها! من او را دختر زائیدم ولی الله بدانچه او بدنی آورده آگاه‌تر است (الله بهتر می دانست که) پسر مانند دختر نیست (و گفت): من او را مریم نام گذارده و او و فرزندانش را از اهریمن مطرود در پناه تو می دارم.



سیرت مختصر صحابیات

گرفت و به منظور قطع نزاع بر سر کفالت او به قرعه کشی روی آوردند که قرعه به نام او درآمد.

مریم تحت کفالت زکریا قرار گرفت مکان شریفی در مسجد را به او اختصاص داد، که هیچ کسی جز او وارد آن نمی شد. مریم در آنجا به عبادت الله عزوجل و خدمت بیت المقدس مشغول بود. شب و روز از عبادت دریغ نمی کرد، تا آنجا که در میان بنی اسرائیل بعنوان ضرب المثل صلاح و تقوا و صفات کریمه مشهور گردید. زکریا در اثنای نگهداری و خدمت از مریم با امری عجیب مواجه شد. طعام و میوه هایی نزد او می یافت که در بازار وجود نداشت و در آن اوقات وجودش غیر معهود بود مثلاً میوه تابستان را در زمستان و میوه زمستان را در تابستان نزد او می یافت از سر دهشت و تعجب از او سؤال می کرد این از کجا برای تو می آید؟

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى



لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾ [آل عمران: ٣٧].^١

نشأت و پرورش مریم باکره

مریم در محیطی آکنده از عفت و طهارت و به دور از گناه و محرمات پرورش یافت. در جوار مسجد می زیست و عنایت الله عزوجل همواره شامل حال او بود ملائکه نزد او می آمدند و او را به مقامی رفیع مژده می دادند مبنی بر اینکه برگزیده‌ی زنان، و از هر گونه گناه و ناپاکی دور است و او را به فرزندى بزرگوار مژده می دادند که دارای شأنی عظیم خواهد بود و در گهواره و در عمر کهولت با مردم سخن می گوید و از صالحین و برگزیدگان خواهد بود و او را بر عبادت و قنوت بیشتر تشویق می کردند.

مریم این چنین بر طهارت و عبادت و به دور از آلودگی و گناه و رذایل پرورش یافت ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (٤٢) يَا مَرْيَمُ

١) زکریا او را سرپرست کرد هرگاه زکریا وارد عبادتگاه او می شد غذایی را در پیش او می یافت به مریم گفت: این از کجا برای تو می آید؟ گفت: این از سوی الله ای است الله به هرکس که بخواهد بی حساب و بی شمار روزی می رساند.



اَقْتَنِي لِرَبِّكَ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاَكِعِينَ ﴿٤٣﴾ [آل عمران: ٤٢-٤٣].^١

مژده به عیسی علیه السلام

چون مریم به سن بلوغ زنانه رسید و پا در عمر ۱۳ سالگی نهاد، روزی از محراب خارج شد و برای استراحت به سوی جهت شرقی بیت المقدس رفت. در حالی که راه می رفت و از اهل و قوم خود دور می شد، جوانی سفید روی زیبای خوش اندام در مقابلش ظاهر شد. مریم به ترس و اضطراب افتاد و در کارش مشکوک شد و از ترس اینکه مبادا قصد سوء علیه او داشته باشد از او دوری گزید و فرار کرد و گفت: ﴿إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ نَقِيًّا ۝ ۱۸﴾ [مریم: ۱۸].^۲ مریم گمان کرد انسانی عادی است که در این مکان بر او پیدا شده... و اصلاً به ذهنش خطور نمی کرد که ملائکه کریم باشد. الله او را پیشش فرستاده تا مژده فرزندی بزرگوار و پیامبری عظیم الشأن را به او بدهد. این جوان جبرئیل بود که خود را در لباس انسانی

۱) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده و پاکیزه ات داشته است و تو را بر همه ی زنان جهان برتری داده است* ای مریم همیشه خاشعانه به اطاعت و عبادت پروردگارت مشغول شو و با نمازگزاران به سجده و رکوع بپرداز.

۲) گفت: من از تو به الله مهربان پناه می برم اگر پرهیزگار هستی.



به او نشان داد، جوان یاد شده به او اطمینان داد و حقیقت امر را با او در میان نهاد سپس نفخه‌ای در جیب پیراهن او دمید، که به رحمش رسید و بوسیله این نفخه به مسیح حامله گردید ﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶) فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷) قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (۱۸) قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا﴾ [مریم: ۱۶-۱۹].

مفسرین گفته‌اند: آنکه در جیب پیراهن او نفخ کرد و از آن حامله گردید جبرئیل روح الامین، روح القدس بود، ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ۱۹۳ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ۱۹۴﴾ [الشعراء: ۱۹۳-۱۹۴].^۲ زیرا آنکه وحی را فرود آورده قطعاً جبرائیل بوده است. ابوحیان در تفسیرش می گوید: ملائکه الله در صورت انسان بر او ظاهر شد تا به او انس بگیرد و از او نترسد، چون اگر در

(۱) در کتاب از مریم سخن بگو آن هنگام که در ناحیه شرقی از خانواده‌اش کنار گرفت* و پرده‌ای میان خود و ایشان افکند ما جبرئیل خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد* (مریم لرزان) گفت: من از تو به الله مهربان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری، (جبرئیل) گفت: پروردگارت من را به سوی تو فرستاده است تا به تو پسر پاکیزه‌ای ببخشم.

(۲) جبرئیل آن را فرو آورده است* بر قلب تو تا از زمره‌ی بیم‌دهندگان باشی.



سیرت مختصر صحابیات

صورت و شکل ملائکه بر او نازل می شد قطعاً از او می ترسید و نمی توانست سخنان او را بشنود... و این مطلب که مریم از دیدن آن صورت زیبا، به الله پناه برد بهترین گواه بر عفت و پاکی او می باشد^۱.

چون در مقابل مریم ظاهر شد و فهمید که آنچه در مقابل خود دارد ملائکه است نه انسان، با او انس و الفت گرفت اما چون مژده فرزند را به او داد متحیر شد چون او هنوز ازدواج نکرده و کسی هم به او نزدیک نگشته بود چگونه امکان داشت صاحب فرزند شود ﴿قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكْ بِعِیَّا ۲۰﴾ [مریم: ۲۰].^۲ اما در جواب شنید که این به قدرت و اراده ی الله است و هیچ چیز بر او سخت نیست و هرگاه چیزی را اراده کند می گوید: بشو فوراً می شود ﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ۲۱﴾ [مریم: ۲۱].^۳

(۱) بحر المحيط جلد ۶ ص ۱۸۰.

(۲) گفت: چگونه پسری خواهم داشت در حالی که انسانی با من نزدیکی نکرده است و زناکار هم نبوده ام.

(۳) (جبرئیل) گفت: همانگونه است پروردگار تو گفته است این کار برای من آسان است بخاطر آن است که

(می خواهم) او را معجزه ای برای مردمان کنیم و رحمتی از سوی خود سازیم دیگر کار انجام یافته است.



مدت زمان حمل:

عمر مریم به هنگام حمل به عیسی علیه السلام ۱۳ سال بود و علماء در مدت حمل اختلاف کرده‌اند، برخی آن را یک ساعت و گروهی ۹ ساعت پنداشته‌اند، عده‌ای هم آن را ۸ ماه ذکر کرده‌اند. قول اخیر از ابن عباس رضی الله عنه منقول است. اما قول صحیح اینکه او همانند سایر زنان بصورت طبیعی به او حامله شده و وضع حمل کرده است.

ابن کثیر می‌گوید: ظاهر این است که همانند سایر زنان ۹ ماه به او حامله بود بعضی به آیه ﴿فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا﴾ [مریم: ۲۳].^۱ استدلال کرده گفته‌اند: عطف بوسیله فاء دلیل بر تعقیب است اما قول صحیح اینکه تعقیب و دنباله‌روی در هر چیزی بر حسب آن می‌باشد. آیا ندیده‌ای که خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ۱۴﴾ [المؤمنون: ۱۴].^۲ معلوم است که

(۱) (مشیت الله تحقیق یافت و مریم) بدو باردار شد و با جنین در مکان دوردستی گوشه گرفت* درد زایمان او را به کنار تنه‌ی خرمایی کشاند گفت: کاش پیش از این مرده بودم و چیز ناقابل فراموش شده‌ای بودم.

(۲) سپس نطفه را بصورت لخته خونی و این لخته خون را به شکل قطعه گوشت جویده و این تکه گوشت جویده را بسان استخوان ضعیفی در می‌آوریم و بعد بر استخوان گوشت می‌پوشانیم و از آن پس او را آفرینش تازه



فاصله هر مرحله‌ای تا مرحله‌ی دیگر به مفاد حدیث، صحیح چهل روز است^۱.

مفسرین می‌گویند: چون جبرئیل در جیب پیراهن او دمید، آن نفخه در رحم او اثر کرد و فوراً بوسیله‌ی آن حامله گردید. ابن کثیر روایت منسوب به ابی پسر کعب را مردود دانسته که جبرئیل در دهان او دمید نه در فرجش و گفته: این برخلاف چیزی است که از سیاق داستان مریم در قرآن کریم فهم می‌شود؛ زیر قرآن می‌گوید: کسی که به سوی مریم فرستاده شده، همان فرشته‌ی بزرگ جبرئیل علیه السلام بوده و او صرفاً در جیب لباسش دمید. آنگاه آن نفخه وارد فرجش شده است. چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَمَرِّمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَهُدًى وَإِسْلَامٌ مُبِينٌ لَكُمُ الْبَيْتُ الْمَكِينُ الَّذِي يُبْعَثُ فِيهِ الرَّسُولَ وَكُنْتُمْ لَهُ قَوْمًا مَدِينًا يَتُوبُونَ إِلَيْهِ ذُنُوبَهُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ الْفَاعِلُونَ﴾ [التحریم: ۱۲].^۲ ضمیر در کلمه‌ی *فيه* به فرج برمی‌گردد نه به دهان.

ای بخشیده و پدیده‌ی دیگری خواهیم کرد و الامقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است.

(۱) البداية والنهاية ج ۲، ص ۶۴.

(۲) ما از روح متصل به خود در آن دمیدیم و او سخنان پروردگارش و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از زمره‌ی مطیعان و فرمانبرداران بود.



اتهام بر مریم

روایت شده چون آثار حمل بر مریم هویدا شد اولین کسی که بر آن اطلاع پیدا کرد یکی از نزدیکان او به نام یوسف نجار (که از بندگان صالح به شمار می‌رفت) بود، بنا به روایت ابن کثیر یوسف پسر خاله‌ی مریم بود از این امر شدیداً به تعجب افتاد، چون در عفت و دیانت مریم شکی نداشت با این وصف او را (بدون شوهر) حامله یافت. روزی بصورت کنایه و تعریض به او گفت: ای مریم آیا زراعت بدون بذر امکان وجود دارد؟! مریم گفت: بلی چه کسی اولین زراعت آفرید؟ یوسف گفت: آیا فرزند بدون پدر امکان دارد؟ گفت: بلی الله آدم را بدون ذکر و انثی آفرید. یوسف گفت: داستان خود را برای من تعریف کن. گفت: الله مرا به کلمه از سوی خود به نام مسیح عیسی پسر مریم مژده داده ﴿بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾ [آل عمران: ۴۵].^۱ آنگاه، یوسف فهمید که مریم پاک است و این حمل به اراده و مشیت حکیمانه الله می‌باشد.

(۱) به کلمه خود که نامش مسیح عیسی پسر مریم است (مژده دهید).



سدی با اسناد خود از اصحاب روایت می‌کند: مریم روزی بر خواهرش «همسر زکریا» وارد شد خواهرش گفت: آیا می‌دانی من حامله هستم؟ مریم گفت: و شما نیز می‌دانید که من هم حامله هستم، همسر- زکریا مریم را در آغوش کرد و گفت: من می‌بینم جنینی که در شکم من است برای جنین شما سجده می‌برد.

امام مالک گوید: من عقیده دارم که این مورد، به خاطر برتری و تفضیل عیسی بر یحیی است، به من خبر رسیده که عیسی و یحیی پسر خاله‌ی همدیگر بوده‌اند^۱.

در میان بنی اسرائیل شایع شد که مریم حامله است اندوه و حسرت فراوانی بر خانواده زکریا مستولی گردید و عده‌ای از زندیقان مریم را متهم به رابطه نامشروع با یوسف نجار کردند، چون او هم در مسجد به عبادت مشغول بود. گروهی دیگر به رابطه نامشروع با زکریا متهمش کردند. ابن جریر گوید: یهود قصد کشتن زکریا را کردند از دست آنان فرار کرد. سپس او را

(۱) البداية والنهاية جلد ۲ ص ۶۵.



سیرت مختصر صحابیات

گرفتند، و با اړه دو قطعه‌اش نمودند^۱ پس او به دست یهودیان
مجرم به شهادت رسید. درود و سلام الله بر او باد.

سیرت مختصر صحابیات رضی اللہ عنہن

اسماء رضی اللہ عنہا

وی اسماء دختر ابوبکر صدیق، و خواهر عائشہ صدیقہ ام المؤمنین، و همسر زبیر رضی اللہ عنہ است، وی مشہور بہ ذات النطاقین است، در راہ اسلام جان فشانی‌های زیادی کرد، مناقبش بسیار و فضائلش فراوان است، در سال ہفتاد و سہ ہجری بہ سن صد سالگی در مکہ مکرمہ وفات یافت، و تا آخرین لحظات عمر، نہ یکی از دندان‌هایش افتاد، و نہ ہم عقل و فراستش را از دست داد.^۱

ام حبیبہ رضی اللہ عنہا

وی ام حبیبہ ابی سفیان صخر بن حرب است، نامش رملہ و یکی از امہات المومنین است، از کسانی است کہ در اول مسلمان شدہ بودند، بہ حبشہ ہجرت نمود، و در حبشہ بود کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شخصی را فرستادند و از وی خواستگاری نمودند، و

(۱) أسد الغابہ (۵/۳۹۲-۳۹۳).



او پیشنهاد را پذیرفت و با ایشان ازدواج نمود، وفاتش در سال چهل و چهار هجری است.^۱

ام حرام رضی الله عنها

وی ام حرام بنت ملحان بن خالد انصاری خزرجی است، نامش رمیصاء بود، و در خانه‌اش قیلوله می‌کردند، [قیلوله: خواب پیش از چاشت است]، و گفته بودند که وی شهید می‌شود، و در سال بیست و هفت هجری وقتی که از جنگ قبرص برمی‌گشت از اسپس افتاد، و به قتل رسید.^۲

وبرخی گفته:

ام حرام در سال (۲۸) هجری که شوهرش (عباده بن صامت) همراهش بود، از راه دریا به جنگ قبرص اشتراک نمود، و چون از جنگ برگشت، در وقت سوار شدن بر مرکب خود، از بالای آن افتاد و مرد، و به این طریق خبر پیامبر صلی الله علیه وسلم در موردش تحقق یافت.

۱) اسد الغابه (۵/۵۷۳-۵۷۴).

۲) اسد الغابه (۵/۵۷۴-۵۷۵).



ام خالد بن خالد رضی الله عنها

وی ام خالد بن خالد بن سعید بن العاص قرشی اموی^۱ است، نام ام خالد امه، و نام مادرش همینه بن خلف خزاعی است، که وی هم مسلمان شده است، اینکه ام خالد چه وقت وفات کرده است، اطلاعی به دست آورده نتوانستیم.^۲

خطیب درباره‌ی او نوشته: ام خالد در حبشه متولد گردیده، و به مدینه آورده شد، و آنجا همراه با زبیر بن العوام ازدواج نمود، و از وی بسیاری از مسلمانان روایت کرده اند.^۳

ام کلثوم بنت عقبه رضی الله عنها

وی ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط قرشی اموی است، از کسانی است که در اول در مکه مکرمه مسلمان شده بودند، به هردو قبله نماز خواند، و با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت نمود، پای پیاده به مدینه منوره هجرت نمود، برادرانش ولید و عماره به تعقیبش آمدند تا از هجرتش ممانعت به عمل آورند، ولی الله

(۱) بنی امیه، یا امویان:

خلفای بنی امیه یا امویان (۴۰ - ۱۳۲ هـ. ق / ۶۶۰ - ۷۵۰ م) سلسله ای اسلامی از خاندان بنی امیه که پس از خلفای راشدین در سال ۴۰ هـ. ق زمام حکومت کشورهای اسلامی را به دست گرفتند. پس از به قدرت رسیدن بنی امیه روش انتخابی خلیفه به انتقال موروثی قدرت تبدیل شد، معاویه بن ابی سفیان نخستین و در عین حال بهترین خلیفه در دولت امویان بود. آخرین آنان مروان دوم، به دست ابومسلم خراسانی در غرب ایران به قتل رسید.

(۲) اسد الغابه (۵/۵۷۹).

(۳) اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.



سیرت مختصر صحابیات

عزوجل او را از شر آنها حفظ کرد، و او را در راه پیدا کرده نتوانستند، و در مدینه منوره نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و از ایشان خواستند تا او را برای شان تسلیم دهند، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم ابا ورزیدند، و در مدینه وفات نمود.^۱

ام سلمه رضی الله عنها

وی أم المؤمنین هند بنت ابي أمیه بن مغیره قرشی است، پیش از ازدواج با نبی کریم صلی الله علیه وسلم همسر ابو سلمه عبدالأسد مخزومی بود، به حبشه و مدینه هجرت نمود، علم و دانش بسیاری را از پیامبر صلی الله علیه وسلم آموخت، و در سال پنجاه و نه هجری وفات نمود، و امام بخاری از وی چهار حدیث روایت کرده است.^۲

ام عطیه رضی الله عنها

ایشان نسیبیه بنت کعب، و بعضی گفته بنت الحارث، أم عطیه انصاریه، البته در بصره مسکن گزین شد. در صحیح بخاری، مسلم، أبو داود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه روایت دارد.

(۱) اسد الغابه (۶۱۴/۵).

(۲) (أسد الغابه: ۵۸۸/۵-۵۸۹).



سیرت مختصر صحابیات

ایشان در غزوات، مجاهدین را سیراب، زخمی‌ها را تداوی، و مرده‌ها را شستشو می‌کردند. او کسی است حدیثی را که در ارتباط منع جنازه رفتن زنان آمده، روایت نموده است.

ام‌هانی رضی الله عنها

وی ام‌هانی بنت ابی طالب قرشی هاشمی دختر کاکای (عموی) پیامبر صلی الله علیه وسلم و خواهر علی بن ابی طالب است، در اسمش اختلاف است، بعضی می‌گویند که: نامش هند، و بعضی می‌گویند، که فاطمه، وعده هم می‌گویند که فاخته است، در فتح مکه مسلمان شد، سال وفاتش را ندیدم، از ایشان (۴۶) حدیث روایت است.^۱

ام‌سلیط رضی الله عنها

ام‌سلیط زنی از مردم انصار^۲ بود که در بعضی غزوات برای مردم آب می‌داد، و این زن در غزوة خیبر نیز با پیامبر صلی الله علیه وسلم اشتراک نموده بود.

(۱) أسد الغابه (۵/۶۲۴).

(۲) انصار عبارت از دو قبیله اوس و خزرج است، و الله عزوجل و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آن‌ها را به صفت (انصار) توصیف نموده‌اند، و این دو قبیله از این جهت به نام (انصار) متصف گردیده‌اند که با کمک‌های مادی و معنوی خود پیامبر صلی الله علیه وسلم و مسلمانان و اسلام را کمک و نصرت دادند.



امیه بنت محسن رضی الله عنها

وی امیه بنت محسن بن حرثان اسدیہ است، از کسانی است که در اول در مکه مکرمه ایمان آورده بودند، با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت نمود، و به مدینه منوره هجرت کرد، امام بخاری از وی تنها دو حدیث روایت کرده است، از خودش روایت است که گفت: یکی از پسرانم مرد، و بسیار جزع و فزع کردم، برای زنی که او را غسل می داد گفتم: از آب سرد او را غسل مده که او را می کشی، عکاشه این واقعه را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت، به حقم دعا کرده و فرمودند: «الله عمرش دراز کند»، و گویند: هیچ زنی به اندازۀ او عمر نکرد.^۱

ام سلیم رضی الله عنها

وی سهله بنت ملحان بن خالد انصاری خزرجی، مادر انس بن مالک است، زن هوشیار و بافهمی بود، شوهر اولش که وفات نمود، شخصی به نام ابوطلحه از وی خواستگاری نمود، برایش گفت: تو را می خواهم، ولی من مسلمانم و تو کافری، اگر مسلمان شوی، تو را به نکاح می گیرم، و مهرم را برایت می بخشم، و همان بود که ابوطلحه مسلمان شد، و او را به نکاح گرفت، و همین ام سلیم بود

^۱ - (الإصابة: ۴/۴۸۵-۴۸۶).



سیرت مختصر صحابیات

که فرزندش آنس را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم برد و از ایشان خواست تا به حق او دعا کنند.^۱

ام علاء رضی الله عنها

وی ام علاء، زنی از مردم انصار است، و از زن‌هایی است که با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت کرده بودند. از ایشان خارجه بن زید بن ثابت روایت کرده اند، ایشان مادر صحابی بزرگوار، «خارجه بن زید» رضی الله عنه بودند. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالیکه او بیمار بود، به عیادتشان رفتند.^۲

امامه رضی الله عنها

امامه - به همزه، وفتح میم- ، آن دختر زینب بوده است، و زینت دختر رسول الله صلی الله علیه وسلم، و پدر امامه: ابوالعاص بن ربیع می باشد. زینب در سنه (۸هجری) وفات یافته است. و دختر آن (امامه) با علی رضی الله عنه ازدواج نمود، وقتی که علی رضی الله عنه شهید شد، با مغیره بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب ازدواج نمود.

^۱ - أسد الغابه (۵/۵۹۱).

^۲ - أسد الغابه (۵/۶۰۴-۶۰۵).



ام حبیبه بنت جحش رضی الله عنها

أم حبیبه بنت جحش، خواهر زینب، همسر عبدالرحمن بن عوف می باشد.

عبدالله پسر امام احمد می گوید: در کتاب پدر خود یافتم از جمله زنانی که در مدینه حدیث روایت می کردند، أم حبیبه بنت جحش بود.^۱

اسماء بنت یزید انصاری رضی الله عنها

امام ابن حجر در «الاصابه (۴۹۸/۷) می نویسد: در جنگ تاریخی یرموک^۲، زنان مسلمان نمونه های از شجاعت وقهرمانی را از خود بجا ماندند، و در خدمت برای اسلام با مردان رقابت می کردند.

اسماء بنت یزید انصاری که در آن جنگ سرپرست زنان مسلمان بود، به تنهایی خود، هفت تن از سربازان رومی را به هلاکت رسانید^۳، اسماء رضی الله عنها شرف شرکت در جنگ تاریخی خیبر

^۱ - «العلل» (۵۷۸۴).

^۲ - جنگ یرموک: در دوران خلافت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - و بعد از فتح عراق رخ داد، فرمانده ارتش اسلام در این جنگ، خالد ابن ولید - رضی الله عنه - بود. نهر یرموک از جبال حوران سرچشمه می گیرد و جریان سریع داشته از بین تل ها و پشته های مختلف الارتفاع می گذارد و به نشیب اردن و به سوی بحریت می رود و از ملتقای یرموک به نهر اردن به فاصله سی یا چهل مایل، واقوصه واقع است که در یک میدان وسیع زمین هموار می باشد که از سه اطراف آن کوه های مرتفع آن را احاطه دارد که به حد کافی مرتفع است.

^۳ - طبرانی از مهاجر روایت نموده که: اسماء بنت یزید بن سکن، دختر عمومی معاذ بن جبل رضی الله عنه در روز یرموک، نه تن از رومی ها را با ستون خیمه به قتل رسانید. (هیثمی (۹/۲۶۰) می گوید: رجال وی ثقه اند).



سیرت مختصر صحابیات

را نیز با رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن خود کرده بود. در معرکه یرموک خالد بن ولید رضی الله عنه زنان مسلمان را که با لشکر مسلمانان برای جهاد رفته بودند، امر نمود تا در پشت سر لشکر بایستند، و برای هریکی از آنها شمشیر داد، و برای شان فرمود: کسی را که در حال فرار از جنگ دیدید، آنرا بکشید.

اسماء بنت عمیس رضی الله عنها

او، اسماء بنت عمیس بن معد بن تیم بن حارث خثعمی رضی الله عنها می باشد.

ایشان، صحابیة بزرگوار، دارای شأن و مقام والایی بوده است، اسلام آوردن او قبل از وارد شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم به دارالارقم در مکه بوده است، همراي شوهرش جعفر بن ابی طالب بسوی حبشه نیز هجرت کرده است، فرزندان او: عبدالله و محمد و عوف نام داشتند، در واقعه مؤته (سال: ۸هـ) شوهرش جعفر شهید شد. پس از آن با ابوبکر رضی الله عنه ازدواج نمود، و از آن محمد بن ابی بکر تولد گردید. زمانی که ابوبکر رضی الله عنه وفات یافتند، با علی بن ابی طالب ازدواج کرد، و از آن یحیی و عون متولد گردید، سرانجام؛ پس از علی رضی الله عنه وفات یافتند.



ابونعیم در وصف او گفته: «مهاجرة الهجرتین ومصلية القبلتین» (یعنی: زنی که دوبار هجرت کرده، و در دو قبله نماز گزاریده!)^۱.

انیسه بنت خیب رضی الله عنها

او، انیسه انصاریه، صحابییه ای بزرگواری بوده است. از راویان حدیث اهل بصره شمرده می شود.^۲

امیمه بنت رقیقه رضی الله عنها

او، امیمه بنت رقیقه رضی الله عنها، و پدر آن: عبدالله بوده است، و بنام مادرش «بنت رقیقه بنت خویلد» مشهور شد.

امیمه خواهر خدیجه رضی الله عنها (أم المؤمنین) بوده، زندگیش را در مدینه سپری کرد.^۳

ام بجید رضی الله عنها

او، ام بجید حواء بنت یزید بن سکن انصاریه رضی الله عنها است. ام بجید خواهر اسماء بنت یزید رضی الله عنها می باشد.

ام بجید رضی الله عنها از زنانی که در بیعت الرضوان اشتراک داشتند، محسوب می گردد، و در باب صدقه و اعطاء روایت دارد.

^۱ - «العلل» (۵۷۸۴).

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۸.

^۳ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۸.



أم درداء رضی الله عنها

ایشان: «خیره بنت ابي حردد واسمه سلامة بن عمير بن ابي سلمة الاسلامي» می باشند.^۱

او از زنان صحابه، و معروف به أم دردای کبری می باشد.^۲
ام درداء از زنان زیرک، هوشیار، صاحب نظر و فکر بود، خیلی از تابعین مانند: میمون بن مهران و صفوان بن عبد الله و زید بن أسلم از او درس حدیث می گرفتند. قبل از ابودرداء، در شام در خلافت عثمان وفات نمود.^۳

امام ذهبی می گوید: «سیده أم درداء همسر صحابی جلیل القدر ابودرداء رضی الله عنها از زنان فاضله، دانشمند، زاهده و با عظمت و بانویی فقیهه، خردمند و بزرگوار که به علم، عمل و زهد مشهور بوده است و شاگردان زیادی از مردان داشته است که از او روایت کرده اند؛ مانند: جبیر بن نفیر، ابوقلابه الجرمی، سالم بن ابي الجعد، رجاء بن حیوة، یونس بن میسره، مکحول، عطاء، اسماعیل بن عبیدالله بن ابي المهاجر، زید بن سالم، ابوحازم الاعرج و غیره».^۴

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- [الاعلام للزرکلی].

^۳- [الاصابه: ۷۳/۹-۷۴].

^۴- [سیر اعلام النبلاء "۲۷۷/۴].



امام مزنی و مکحول دمشقی می گوید: «أم درداء رضی الله عنها فقیهه بود».^۱

عون بن عبدالله می گوید: «به نزد أم درداء می آمدیم و پیش او ذکر الله تعالی را می کردیم».^۲

وفات ایشان در سال (۳۰هـ) بوده است.

ام عماره رضی الله عنها

ایشان: «نسبته بنت کعب بن عوف مازنیة انصاریه از بنی نجار می باشند».^۳

او یکی از شجاع ترین زن در تاریخ یاد شده است.

در جاهلیت شوهر او (زید بن عاصم مازنی) وفات نمود، سپس با غزیه بن عامر مازنی ازدواج کرد، و به کاروان مسلمانان پیوست.

زرکلی می نویسد: «او در بیعة العقبه، أحد، حدیبیه، خیبر،

عمرة القضا وحنین اشتراک داشته است».^۴

ایشان در غزوات زیادی اشتراک کردند، و با کفار پیکار می

نمودند و مجاهدین را خدمت می کردند، در بدن او بسیاری از آثار

زخم نیزه و شمشیر وجود داشت، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم

^۱- [تهذیب الکمال ۳۵/۳۳۵].

^۲- [سیر اعلام النبلاء ۴/۲۷۸].

^۳- [الاعلام للزرکلی].

^۴- [الاعلام للزرکلی].



در باره او می گفت: «در غزوه احد این بر و آن بر را می دیدم، پس می دیدم که ام عماره در دفاع از من می جنگد».^۱

ام فضل رضی الله عنها

او، ام فضل لبابه بنت حارث عامریه رضی الله عنها بوده است. ایشان همسر «عباس بن عبدالمطلب» رضی الله عنه می باشند. بیشتر فرزندان عباس، از ام فضل بوده، و ام فضل خواهر «میمونه» رضی الله عنها (همسر) رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد. ایشان پس از خدیجه رضی الله عنها نخستین کسی از زنان است که به دین اسلام مشرف گردیده، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم احادیث بسیاری روایت کرده است.^۲

ام فروه رضی الله عنها

او، ام فروه انصاریه رضی الله عنها بوده است. ایشان از جمله زنانی است که در بیعت با رسول الله صلی الله علیه وسلم حضور داشته است. از ایشان قاسم بن غنم روایت کرده است.^۳

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.

^۳ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۳.



ام قیس بنت محسن رضی الله عنها

او، ام قیس بنت محسن (بکسر میم و سکون حاء مهمله)، خواهر عکاشه رضی الله عنه بوده است. از سابقین در اسلام، و در مکه مشرف به اسلام گردید، و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت نمود، و با وی صلی الله علیه وسلم (نیز) بسوی مدینه رهسپار مدینه (هجرت) نمود.^۱

ام المنذر رضی الله عنها

او، ام المنذر بنت قیس انصاریه - و برخی گفته: عدویه - رضی الله عنها می باشد. ایشان با رسول الله صلی الله علیه وسلم هم صحبت بوده، و از وی صلی الله علیه وسلم نیز حدیث آموخته است. از ام المنذر یعقوب بن ابویعقوب حدیث گرفته است.^۲

ام معبد بنت خالد رضی الله عنها

او، ام معبد خزاعیه، عاتکه بنت خالد رضی الله عنها می باشد. در زمان اسلام او میان سیرت نویسان اختلاف است، و به نظر من اصح اینست زمانی که مسلمانان به مدینه هجرت نمودند، آنجا وی

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۴.

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.



به مشرف به ایمان شد. حدیث آن معروف است در میان محدثین به «حدیث أم معبد»^۱.

ام معبد بنت کعب رضی الله عنها

او، ام معبد بنت کعب بن مالک انصاریه می باشد. ایشان از جمله زنان انگشت شماری است که در دو قبله نماز خوانده است، چنانکه در بین تاریخ نویسان به «صلت القبلتین» شهرت یافته است. از وی پسرش حدیث روایت کرده است. ابن عبدالبر درباره وی گفته:

ام معبد همسر صحابی بزرگوار، «کعب بن مالک انصاری سلمی» رضی الله عنه بوده است.^۲

ام مالک بهزیه رضی الله عنها

او، ام مالک بهزیه رضی الله عنها بوده، که با رسول الله صلی الله علیه وسلم صحبت نموده، و از ایشان نیز روایت نموده است. وی حجازیه می باشد. از ایشان طاؤس و مکحول روایت کرده اند.^۳

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

^۳ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۰.

«ب»

بریره رضی الله عنها

او بریره (به فتح باء و کسر راء اول و سکون یاء)، آزاد کرده شده ای عائشه ام المؤمنین رضی الله عنها می باشد، ایشان از عائشه، ابن عباس و عروه بن زبیر رضی الله عنهم روایت کرده است.^۱

بسرہ رضی الله عنها

او، بسرہ بنت صفوان رضی الله عنها بن نوفل قرشی اسدیہ رضی الله عنها می باشد.
بسرہ رضی الله عنها برادر زاده (دختر برادر) ورقه بن نوفل می باشد.^۲

بهیسه رضی الله عنها

او، بهیسه (به ضم باء و فتح هاء و سکون یاء و سین مهمله) فزاریه بوده، و همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم ملاقاتش ثابت شده است، و در خصوص بیع مردم بهیسه روایت دارد.^۱

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۸.

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۰.

﴿ج﴾

جویریہ ام المؤمنین رضی اللہ عنہا

وی ام المؤمنین جویریہ خزاعی است، نامش در اصل بره بود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را جویریہ نامیدند، وی از اسیران بنی المصطلق و بسیار زیبا بود، و بعد از اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی ازدواج نمودند تمام صحابه رضی الله عنهم اسیرانی را که از قبیلہ بنی المصطلق در اختیار داشتند، آزاد کردند.

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۰.

﴿ح﴾

حَفْصَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا

وی أم المؤمنین حفصه بنت عمر بن خطاب است، پیش از ازدواج با نبی کریم صلی الله علیه وسلم همسر حصن بن حذافه بود، بعد از موت شوهرش و به نهایت رسیدن عده‌اش عمر بن خطاب رضی الله عنه برای عثمان پیشنهاد کرد که او را به همسری بگیرد، ولی او بعد از چند روز گفت: که فعلاً تصمیم به ازدواج ندارم، بعد از آن او را برای ابوبکر صدیق پیشنهاد کرد، او هم قبول نکرد، تا اینکه نبی کریم صلی الله علیه وسلم از وی خواستگاری نموده و با وی ازدواج کردند، پیامبر صلی الله علیه وسلم او را یک طلاق دادند، چون عمر رضی الله عنه از واقعه خبر شد، خاک بر سر خود می‌ریخت و می‌گفت: بعد از این الله به عمر و دخترش ارزشی نمی‌دهد، و همان بود که جبرئیل علیه السلام آمد و به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت که: الله عزوجل تو را امر



می‌کند که به وی رجوع کنی، و پیامبر صلی الله علیه وسلم به او رجوع کردند، وی در سال چهل و یک هجری وفات یافت.^۱

حمنه بنت جحش رضی الله عنها:

نام او حمنه بنت جحش الأسدیه است، خواهر زینب بنت جحش. ایشان زیر نکاح مصعب بن عمیر قرار داشتند، بعد از اینکه وی شهید شد، پس طلحه او را زیر نکاح خود در آورد، پس او مادر عمران و محمد (پسران طلحه) هستند. از او در «الأدب المفرد، أبو داود، الترمذی، ابن ماجه روایت شده است.

ایشان از راویان زن در مدینه طیبه بودند.^۲

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۸۰.

^۲ - (الأصابع: ۲۷۳/۴-۲۷۴).

﴿خ﴾

خدیجه ام المؤمنین رضی الله عنها

وی ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی است، و اولین کسی است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایمان آورده است، اول همسر ابوهاله بود، و بعد از آن با عتیق بن عائذ ازدواج نمود، و بعد از عتیق پیامبر صلی الله علیه وسلم به سن بیست و پنج سالگی با وی ازدواج نمودند، و تمام اولاد پیامبر صلی الله علیه وسلم به استثنای ابراهیم از خدیجه رضی الله عنها است، و تا وقتی که وی زنده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم همسر دیگری نگرفتند، و بعد از وفاتش همیشه پیامبر صلی الله علیه وسلم از وی به خیر و خوبی یاد می‌کردند، الله عزوجل ذریعه جبرئیل برای خدیجه سلام فرستاد، و از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: خدیجه بهترین زن‌های این امت است، وی بعد از اینکه بیست و چهار سال و چند ماه با پیامبر صلی الله علیه وسلم



زندگی نمود، سه سال پیش از هجرت وفات نمود، دارای فضائل و مناقب بسیار است.^۱

خوله بنت قیس رضی الله عنها

وی خوله بنت قیس بن فهد انصاریه همسر حمزه بن عبدالمطلب است، بعد از شهادت حمزه رضی الله عنه در غزوة احد، با نعمان بن عجلان انصاری ازدواج نمود، بسیار معدود حدیث روایت کرده است، از تاریخ وفاتش اطلاعی به دست نیامد.^۲

خوله بنت حکیم رضی الله عنها

او، خوله بنت حکیم همسر عثمان بن مظعون^۳ رضی الله عنه می باشد.

خوله زنی نیکوکار، فاضله و روایتگر احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بشمار می رود.^۴

^۱ - الإصابه (۲۸۱/۴-۲۸۳).

^۲ - اسد الغابه (۴۴۵/۵-۴۴۶).

^۳ - عثمان بن مظعون قریشی، در همان آغاز بعثت مسلمان شد و پس از چندی به حبشه هجرت کرد و آنگاه به مکه بازگشت. پس از مدتی به مدینه هجرت کرد و در جنگ ها شرکت کرد، او در عبادت و روزه گرفتن بسیار کوشا و پایدار بود. وی به سال ۲۱ هجری در مدینه درگذشت.

^۴ - أسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.



خوله بنت ثامر رضی الله عنها

او، خوله بنت ثامر انصاریه رضی الله عنها بوده است. نزد اهل مدینه حکایت های شگفت انگیزی دارد. از ایشان نعمان بن ابوعیاش زرقی روایت نموده است.

و برخی گفته اند: او، خوله بنت قیس بن بنی مالک بن نجار بوده، و ثامر لقب قیس بوده است.^۱

خوله بنت قیس رضی الله عنها

او، خوله بنت قیس جهینیه رضی الله عنها می باشد، از ایشان نعمان بن خربوذ روایت کرده است.^۲

خنساء رضی الله عنها

ایشان: «تماضر بنت عمرو بن الحارث بن الشرید، ریاحیه سلمیه از بنی سلیم، مضر می باشند».^۳

خنساء از مشهور ترین شاعران عرب بود، و در نجد می زیست؛ اکثریت عمر خود را در جاهلیت سپری کرد، و در اواخر عمر به اسلام مشرف شد، و همراهی قوم خود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد.

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۳.

^۳ - [الاعلام للزركلی].



زرکلی می گوید: «برای رسول الله صلی الله علیه وسلم شعر می سرود و رسول الله صلی الله علیه وسلم اشعار او را دوست می داشت»^۱.

ابن اثیر گفته است: «خنساء شاعره‌ی مشهوریست، او همراه چند نفر از اقوامش به مدینه آمده و مسلمان شد». همچنان ابن اثیر می گوید: اهل علم اتفاق نظر دارند که هیچ زنی بهتر از او شعر نگفته است نه پیش از او و نه بعد از او. در سال (۲۴هـ) وفات یافتند.

خنساء بنت خزام رضی الله عنها

او، خنساء (به فتح خاء و سکون نون و سین مهمله) بنت خزام بن خالد انصاریه اسدییه رضی الله عنها می باشد. از ایشان ابوهریره و انس رضی الله عنه روایت کرده اند.

^۱- [الاعلام للزرکلی].



ربیع بنت معوذ رضی اللہ عنہا

ایشان: «ربیع بنت معوذ بن عفراء رضی اللہ عنہا، از قبیله بنی نجار بوده است»^۱.

وی از جمله زنان مجاهده‌ی بود که همواره در جهاد اشتراک می داشت، و در بیعت الرضوان نیز همراه با رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بیعت نمود.

هرازگاهی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم به خانه او رفته و در آنجا وضوء گرفته و نماز می خواند، و همراهی او طعام میل می کرد. تا خلافت معاویه رضی اللہ عنہ زیست، و در سال (۴۵هـ) وفات یافت.^۲

ربیع بنت نضر رضی اللہ عنہا

او، ربیع بنت نضر رضی اللہ عنہا، عمه‌ی انس بن مالک انصاری رضی اللہ عنہ بوده است. نام فرزند ربیع بنت نضر، «حارثه بن

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- [الاعلام للزرکلی].



سیرت مختصر صحابیات

سراقه رضی الله عنه» بود، وقصه ای آن مشهور است که در روز جنگ بدر سهواً توسط حَبَّان بن عرقه به شهادت رسید.^۱

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۵.

﴿ز﴾

زینب بنت جحش رضی اللہ عنہ

وی أم المومنین زینب بنت جحش سادیه است، مادرش أمیمه عمه نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم است، پیش از ازدواج با نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم همسر زید بن حارثه رضی اللہ عنہ بود، و به امر اللہ جل جلاله پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم با وی در سال سوم هجری ازدواج نمودند، و به سبب وی آیه حجاب نازل گردید، و زینب رضی اللہ عنہا بر دیگر ازدواج مطهرات افتخار نمود و می گفت: شما را اولیاء شما به ازدواج دادند، و مرا اللہ جل جلاله، بسیار زاهد و پرهیزگار بود، شبها نماز می خواند، و دائمی الصوم بود، تمام اموالی را که داشت در راه اللہ صدقه داد، در سال بیست هجری وفات نمود، و به این طریق اولین همسر پیامبر اللہ است که بعد از این ایشان وفات نموده است.^۱

^۱ - (الإصابة: ۴/ ۳۱۳ - ۳۱۴).



زینب رضی الله عنها

زینب همسر ابی العاص بن الربیع بود، و دو فرزند داشت، یکی امامه و دیگری علی، امامه را پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار دوست داشتند، در وقت نماز خواندن او را در آغوش خود می گرفتند، و هنگام سجده کردن، او را بر زمین می گذاشتند، وفات زینب رضی الله عنها در سال هشتم هجری واقع گردید.

زینب بنت عبدالله رضی الله عنها

او، زینب بنت عبدالله بن معاویه ثقفیه می باشد. زینب رضی الله عنها همسر عبدالله بن مسعود رضی الله عنه بودند. از عجائب اینست که عبدالله بن مسعود، ابوهریره، وعائشه رضی الله عنهم از ایشان حدیث روایت می کردند.^۱

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۶.

سمیه رضی الله عنها

ایشان: «سمیه بنت خباط می باشند»^۱

زمانی که او اسلام آورد، مسلمانان به شمول پیامبر بیشتر از هشت نفر نبودند (آن هشت نفر: محمد صلی الله علیه وسلم، أبو بکر، بلال، خباب، صهیب، یاسر، همسر سمیه، و عمار بن یاسر). او در جاهلیت آزاد کرده شده ابوحنیفه بن مغیره (کاکای ابو جهل) بود.

هنگامی که اسلام آمد، اینها لبیک گویان تسلیم آن شدند، و سیمه زنی کهن سال و عجزه ای بود و اسلامش را در اوائل پنهان می ساخت، ولیکن به تشویق پسرش (عمار^۲)، اسلام خود را علنی ساخت، ولیکن چون غریب بودند، هیچ کسی آنها را حمایت نکرد، و روزهای گرم مکه را در عذاب مشرکین سپری می کردند، حتی

^۱- [الإعلام للزركلي].

^۲- عمار بن یاسر از یاران نزدیک پیامبر بود که در جوانی در مکه مسلمان شد و پدر و مادرش را زیر شکنجه ی مشرکان از دست داد. وی در جنگ صفین در کنار نیروهای علی بن ابی طالب به شهادت رسید. (سیر اعلام النبلاء)



سیرت مختصر صحابیات

مشرکین زره آهنی به تن آنان می نمود و ایشان را در آفتاب سوزان آن زمان ایستاده می کردند تا از ایمان خویش برگردند، اما برعکس ایمان (او) زیاد می شد. در آخرین روز های زندگی، اَبوجهل آمد و همراهی نیزه و سلاح خود، او را به شهادت رسانید، و لقب اولین شهید اسلام را از آن خود کرد.^۱

سوده أم المؤمنین رضی الله عنها

وی أم المؤمنین سوده بنت زمعه بن قیس قرشی است، پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی در مکه مکرمه بعد از وفات خدیجه رضی الله عنها ازدواج نمودند، و در آخر خلافت عمر رضی الله عنه وفات نمود.^۲

سبعیه رضی الله عنها

او، سبعیه بنت حارث اسلمیه رضی الله عنها بودند، شوهر ایشان سعد بن خوله بود، و شوهرشان در مکه در سنة وداع وفات یافتند، و جماعتی از مسلمانان از ایشان روایت داشتند.^۳

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- أسد الغابه (۵/۴۸۴-۴۸۵).

^۳- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۹.



سهیمه بنت عمر رضی الله عنها

او، سهیمه (به ضم سین وفتح هاء) بنت عمر مزنیه رضی الله عنها است. شوهرشان «رکانه بن عبد زید» بودند، روایاتی در خصوص طلاق دارند.^۱

سلمی رضی الله عنها

او، سلمی ام رافع رضی الله عنها بوده است. شوهرشان «ابی رافع» نام داشتند، پسرشان «عبدالله» بوده است. ایشان قابله‌ی ابراهیم (فرزند رسول الله صلی الله علیه وسلم) و (نیز) غسل دهنده فاطمه بنت عمیس رضی الله عنها هستند.^۲
قابله: زنی است که نوزاد را هنگام زائیدن مادر پیش می آورد.

^۱- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۹.

^۲- اسماء الرجال مشکاة، ص: ۵۹۹.

«ش»

شفاء رضی الله عنها

زرکلی می گوید: ایشان «شفاء بنت عبد الله بن عبد شمس العدویة القرشیة، أم سلیمان» می باشند.^۱

شفاء از صحابیات است، او در جاهلیت اهل قلم بود و قبل از هجرت مشرف به اسلام گردید و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کرد.^۲

زرکلی می گوید: از او (۱۲) حدیث روایت شده و بعضی گفته اسمش لیلی و لقبش شفاء است.^۳

شفاء رضی الله عنها کسی بود که به أم المؤمنین حفصه کتابت را تعلیم داد.^۴

هرازگاهی رسول الله صلی الله علیه وسلم به زیارت او می رفت و در خانه او قیلوله می نمود.

^۱- [الاعلام للزرکلی].

^۲- [الاصابه فی تمییز الصحابة ۲۰۱/۸].

^۳- [الاعلام للزرکلی].

^۴- [الاعلام للزرکلی].



قطع نظر از اینکه معلم و کاتبی بود، برای مسلمانان - بخصوص برای زنان مسلمان - کتابت را تعلیم می داد.^۱ و نیز مشاور و همکاری عمر رضی الله عنه در امور خلافت به شمار رفته است.^۲ مؤرخین می نویسند: عمر بن خطاب رضی الله عنه در دوران خلافت خود شفا بنت عبدالله العدویه را در پُست شاروالی و کنترل نرخ بازار موظف کرده بود، و بعضی میگویند شفا محتسب شهر بود و به امر معروف و نهی از منکر در بین بازار موظف بود.^۳

^۱- [معرفة الصحابة ۳۳۷/۶].

^۲- [الاستیعاب ۱۸۶۹/۴].

^۳- [تهذيب الكمال ۴۲۴ و تهذيب التهذيب ۱۲: ۴۲۸ و طبقات ابن سعد ۸: ۱۹۶ و التاج ۱۰: ۲۰۱].

«ص»

صفیه بنت حیی رضی الله عنها

وی صفیه بنت حیی بن أخطب است، و نسبتش به هارون برادر موسی علیه السلام می‌رسد، اول همسر سلام بن مشکم بود، بعد از وی با کنانه بن ابی الحقیق ازدواج نمود، کنانه در غزوهٔ خیبر کشته شد، و صفیه رضی الله عنها با عدهٔ دیگری به اسارت در آمد، پیامبر صلی الله علیه وسلم او را آزاد ساخته و با وی ازدواج نمودند، صفیه در خواب دیده بود که ماه در گریانش واقع شده است، این خواب را برای مادر خود گفت، مادرش بر رویش زد و گفت: چشم آن داری که همسر پادشاه عرب‌ها شوی؟ در مرضی که پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن وفات یافتند، ازواج مطهرات نزدشان حاضر بودند، صفیه رضی الله عنها گفت: یا رسول الله! ای کاش مرض شما به جان من می‌بود، دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم با چشم خود به طرفش اشاره کردند، پیامبر صلی الله علیه وسلم این موضوع را



درک کرده و فرمودند: به الله قسم که راست می‌گویند، در سال پنجاه و یا پنجاه و دوم هجری وفات یافت.^۱

صفیه بنت عبدالمطلب رضی الله عنها

او، صفیه بنت عبدالمطلب، عمه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند، در جاهلیت زیر نکاح «حارث بن حرب» قرار داشتند، زمانی که حارث وفات یافت، سپس با «عوام بن خویلد» ازدواج کردند، و از ایشان فرزندی تولد شد، واسم‌شان را گذاشتند: «زبیر». صفیه رضی الله عنها تا مدت طولانی زیست، در حالی که (۷۳) سال سن داشت در خلافت عمر بن الخطاب رضی الله عنه وفات یافت، و در بقیع مدفون گشت.^۲

صفیه بنت ابوعبید رضی الله عنها

او، صفیه بنت ابوعبید ثقفیه، خواهر مختار بن ابوعبید، و همسر صحابی بزرگوار «عبدالله بن عمر رضی الله عنهما» می‌باشد. در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم زیست، از ایشان عائشه، حفصه و نافع (آزاد کرده شده ابن عمر) روایت کرده‌اند.^۳

^۱- (الإصابة: ۳۴۷/۴-۳۴۸).

^۲- (اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

^۳- (اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).



صفیه بنت شبیه رضی الله عنها

او، صفیه بنت شبیه حجبی رضی الله عنها می باشد. از ایشان میمون بن مهران و غیره روایت کرده اند، در اینکه آیا صفیه بنت شبیه رضی الله عنها پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده است، یاخیر؟، میان اهل علم اختلاف است.^۱

صماء بنت بسر رضی الله عنها

او، صماء بنت بسر مازنیه رضی الله عنها بوده است. البته «صماء» لقب او بود، و نام وی «بهیه» بوده است، از ایشان برادرش روایت کرده اند.^۲

^۱- (اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

^۲- (اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۰۱).

«ع»

عائشه أم المؤمنین رضی اللہ عنہا

وی أم المؤمنین عائشه صدیقه دختر ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ است، در سال چهارم بعثت متولد گردید، پیش از هجرت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم با وی ازدواج نمودند، و در سال اول هجرت با وی عروسی کردند، و جز عائشه رضی اللہ عنہا با دختر بکر دیگری ازدواج ننمودند، دارای فضائل و اوصاف بسیاری است، هنگامی که پیامبر رضی اللہ عنہا وفات نمودند وی هژده ساله بود، بسیار جواد و سخاوتمند بود، ام دره می گوید: برای عائشه صد هزار درهم آوردم، همه آن‌ها را خیرات داد، و خودش در این روز، روزه دار بود، گفتم: آیا بهتر نبود اگر از این مبلغ برای خود چیزی گوشت می خریدی و افطار می کردی، گفت: اگر اول به یادم می دادی چنین می کردم، یکی از فقهای صحابه است، دو هزار و دو صد و ده حدیث را از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم روایت کرده است، به سن



شصت و پنج سالگی در رمضان سال (۵۵) و یا (۵۶) هجری وفات نمود.^۱

عائشه احادیث بسیاری را از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است، حتی گفته‌اند که چهار حصه احکام شرعی از طریق او برای امت رسیده است، عروه بن زبیر می‌گوید: هیچکس را در فقه و طب و شعر از عائشه فهمیده‌تر نیافتیم، او بعد از خدیجه بهترین ازواج مطهرات است، رضی الله تعالی عنها و عنهن جمیعا.

عمره بن رواحه رضی الله عنها

او، عمره بن رواحه انصاریه رضی الله عنها بوده است. ایشان با رسول الله صلی الله علیه وسلم ملاقات داشته‌اند، و صحابه هستند. وی مادر صحابی بزرگوار، «نعمان بن بشیر» رضی الله عنه بوده است. از ایشان همسرش «بشیر بن سعد» رضی الله عنه و پسرش «نعمان بن بشیر» روایت می‌کردند.^۲

۱- (الإصابة: ۳۵۹/۴-۳۶۱).

۲- أسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.

«غ»

غمیصاء رضی الله عنها

او، ام سلیم دختر ملحان و نام ملحان: مالک بن خالد بن زید بن حرام بن جندب ابن عامر بن غنم بن عدی بن البخار انصاری خزرجی، بخاریه بود، مادر انس بن مالک، درباره نام او اختلاف داشته و گفته شده سهله و گفته شده رمیله، و گفته شده رمیشه، و ملیکه و غمیصاء و رمیصاء. همسر مالک بن نضر بود، پدر انس بن مالک در جاهلیت، اندوهگین شد از او به سوی شام رفت، و همانجا از دنیا رفت، ابو طلحه انصاری با او ازدواج کرد که شرک بود، گفت من به تو علاقمند هستم در حالی که مانند تو رد نمی شود، ولی تو کافر هستی ولی من زن مسلمانی هستم، اگر مسلمان شوی، مهرم بر توست والا با کسی دیگری ازدواج می کنم، مسلمان شد و با او ازدواج کرد. و خوب هم مسلمان شد. بچه ای از او بدنی آورد که در نوزادی از دنیا رفت، او پدر عمر است که از همسرش خوشش می آمد. سپس بچه ای دیگر به دنیا آورد به نام عبدالله بن ابی طلحه، که پدر اسحاق است، در اسحاق و برادرانش برکت هست، ده برادر



سیرت مختصر صحابیات

بودند، همگی علم را از او گرفتند. به همراه پیامبر بود و احادیثی را از پیامبر روایت کرده است. پسرش انس از او روایت کرده، از زنان عاقل بود. در زمان خلافت عثمان از دنیا رفت.^۱
نکته: در مورد این صحابه، قبلاً نیز نوشته بودیم.

^۱ - به شرح زندگی او نگاه کن در اسدالغابه ۳۳۳/۷ شماره ۷۴۷۹ و الاستیجاب ۴/ ۱۹۴۰. شماره ۴۱۶۳، والاصابه ۴/ ۴۴۱ شماره ۱۲۰۷۷ و تاریخ الصحابه ص ۲۷۶، شماره ۱۵۷۳ و تجرید اسماء الصحابه ۲/ ۳۳۳.

«ف»

فاطمه رضی الله عنها

وی فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم، و همسر فاتح خیبر علی بن ابی طالب و مادر حسن و حسین است، بنا به شهادت پیامبر صلی الله علیه وسلم وی سردار همه زنان دنیا است، مناقب و فضائلش بسیار است، شش ماه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز سه شنبه سوم ماه رمضان رحلت نمود، رضی الله تعالی عنها وأرضاها.

فاطمه بنت خطاب رضی الله عنها

او، فاطمه بنت الخطاب بن نفیل، قریشی و صحابیه رضی الله عنها می باشد. لقب آن امیمه، وکنیه آن أم جمیل بود. از پیشگامان اسلام بوده، و قبل از برادرش - عمر رضی الله عنه - ایمان آورد و اسلامش را از او مخفی نگه داشت، ایشان همسر سعید بن زید بن عمرو نفیل هستند.^۱

^۱ - ابن سعد ۸: ۱۹۵ والسیرة النبویة ۱: ۲۷۱ و ۳۶۷. و ۳۶۸ واسمها فی جمهرة الأنساب ۱۴۲ "أمیمة" و فی الاصابة، باب النساء، ت ۸۳۷.



فاطمه بنت ابو حبیث رضی الله عنها

او، فاطمه بنت ابو حبیث قرشی اسدیه رضی الله عنها می باشد. همان زنی است که حدیث آن در خصوص عادت ماهیانه زنان^۱ در هر کتاب حدیث مشهورست.

از ایشان عروه بن زبیر، فاطمه، و ام سلمه روایت کرده اند. نام شوهر ایشان «عبدالله بن جحش» بوده است.

حبیش مصغر حبش است.^۲

فاطمه بنت قیس رضی الله عنها

او، فاطمه بنت قیس قرشی، خواهر ضحاک رضی الله عنها بوده است. ایشان از مهاجرین نخست اسلام بشمار رفته است. جماعتی از مسلمانان از وی حدیث گرفته اند. ایشان دارای جمال و زیبای

^۱ - آن حدیث، اینست:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَبِي حُبَيْثٍ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي امْرَأَةٌ اسْتَحَاضُ فَلَا أَطْهَرُ، أَفَادَعُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «لَا، إِنَّمَا ذَلِكَ عَرَقٌ، وَكَيْسٌ بِحَيْضِي، فَإِذَا أَقْبَلْتَ حَيْضَتَكَ فَدَعِي الصَّلَاةَ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَأَغْسِلِي عَنكَ الدَّمَ ثُمَّ صَلِّيْ». وَقَالَ: «ثُمَّ تَوَضَّئِي لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يَجِيءَ ذَلِكَ الْوَقْتُ». (بخاری: ۲۲۸)

ترجمه: ام المومنین؛ عایشه رضی الله عنها؛ می گوید: فاطمه بنت ابی حبیث نزد نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - آمد و عرض کرد: ای پیامبر گرامی - صلی الله علیه وسلم -! به دلیل خون حیض، مدت زیادی ناپاک می شوم. آیا در این مدت، نماز را ترک کنم؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «خیر، زیرا این، خون حیض نیست بلکه خون رگی است که پاره شده است. هنگامی که روزهای قاعدگی ات فرا رسید، نماز نخوان. و هنگامی که ایام قاعدگی ات به پایان رسید، غسل کن و نماز بخوان. البته برای هر نمازی، وضو بگیر تا اینکه دوران قاعدگی، فرا رسد».

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۲.



رویی بوده است. دانش و بینش بیشتری داشته، تحت نکاح «ابوعمر بن حفص» قرار داشت، سپس شوهرش وی را طلاق داد، و رسول الله صلی الله علیه وسلم او را زیر نکاح جوان شجاع و قهرمان، «اسامه بن زید» رضی الله عنهما، در آورد.^۱

فریعه بنت مالک رضی الله عنها

او، فریعه (به ضم فاء وفتح راء و سکون یاء و با عین مهمله) بنت مالک بن سنان رضی الله عنها بوده است. ایشان خواهر صحابی بزرگوار، «ابوسعید خدری» رضی الله عنه می باشند. در بیعت الرضوان اشتراک داشت، و از ایشان جماعتی از مسلمانان حدیث گرفته اند.^۲

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۳.

^۲ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۱۳.

«ق»

قبيله بنت مخرمه رضى الله عنها

او، قبيله بنت مخرمه تميميه است. از ايشان دو دختر (صفيه ودحيه) تابعى بزرگوار «عُليه [يا عليّيه]» رضى الله عنه روايت کرده است.^۱

^۱ - اسماء الرجال مشكاة، ص: ۶۱۴.

﴿م﴾

میمونه رضی الله عنها

وی میمونه بنت حارث هلالی همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم است، پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی در منطقه (سرف) ازدواج نمودند، و میمونه رضی الله عنها در همین مکان در سال پنجاه و یک هجری وفات نمود، و در همانجا دفن گردید، امام بخاری از وی هفت حدیث روایت کرده است.^۱

^۱ - أسد الغابه (۵/۵۵۰-۵۵۱).

﴿ن﴾

نسیبہ رضی اللہ عنہا

نامش نسیبہ بنت حارث انصاریہ رضی اللہ عنہا است، در غزوات با پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم اشتراک داشت، زخمی‌ها را تداوی می‌کرد، و از مریض‌ها سرپرستی می‌نمود، و مرده‌ها را می‌شست، امام بخاری از وی پنج حدیث روایت کرده است.^۱

^۱ - أسد الغابہ (۶۰۳/۵).

هند بنت عتبه رضی الله عنها

وی هند بنت عتبه بن ربیعہ، همسر ابو سفیان و مادر معاویہ می‌باشد، بعد از اسلام شوهرش ابوسفیان، در فتح مکه اسلام آورد، زن بسیار با شهامت و با عقل و تدبیری بود، در جنگ (أحد) با مشرکین بود، و چون حمزه رضی الله عنه به شهادت رسید، جگرش را در آورده و بلعید، ولی آن را هضم کرده نتوانست^۱ و بیرون انداخت.

^۱ - برخی از روایات تاریخی که می‌گویند:

در غزوه احد، هند بنت عتبه رضی الله عنها، همسر ابوسفیان و مادر معاویہ رضی الله عنهما وحشی رضی الله عنه را فرستاد تا کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم را شهید نموده و در اخیر جگر حمزه را کشیده و خورده است. صحیح نبوده، بلکه در روایات صحیح خلاف آن ثابت است.

امام بخاری در صحیح بخاری چنین می‌گوید: **بَابُ قَتْلِ حَمْرَةَ بِنْتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ** و در ضمن این باب، روایتی را می‌آورد که جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رضی الله عنه کسی بود که وحشی را فرستاد، تا حمزه رضی الله عنه را، بکشد. (صحیح بخاری روایت شماره ۴۰۷۲)

و نیز مُثَلِّه شدن و پاره نمودن شکم حمزه رضی الله عنه توسط مشرکین، در روایات ثابت است. اما بیرون نمودن جگر و خوردن آن، ثبوتی ندارد.

غالباً چنین دروغ‌ها و اتکای بر روایات متزلزل و مخالف با صحیح، از زبان روافض قبحهم الله شنیده شده و از جانب آنان، پخش و نشر میگردد.

«ی»

یسیره رضی الله عنها

او، یسیره (به ضم یاء وفتح سین مهمله) «ام یاسر انصاری» رضی الله عنها می باشد. ایشان از زنان مهاجره بشمار می رود. از ایشان نواسه اش «حمیصه بنت یاسر» روایت نموده است.^۱

ختم کتاب به یاری الله عزوجل، ظهر یکشنبه: (۲۵/جادی/۱۴۰۱هـ ش)

^۱ - اسماء الرجال مشکاة، ص: ۶۲۴.



فهرست منابع و مراجع

١. بذل المجهود فى إثبات مشابهة الرافضة لليهود، عبد الله الجميلى، مكتبة الغرباء الأثرية، المدينة المنورة، چاپ دوم، ١٤١٤هـ - ١٩٩٤م.
٢. السنة و مكانتها فى التشريع، د. مصطفى السباعى، المكتب الإسلامى ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.
٣. انتصار الحق ... مناظره‌اى علمى با بعضى از شيعه‌اى اماميه، مجدى محمد على، دار طيبة، چاپ اول ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م.
٤. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور للامام عبد الرحمن جلال الدين السيوطى، چاپ اول، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.
٥. الموسوعة الحديثية، السنن الكبرى للامام أبى عبد الرحمن أحمد بن سعيد النسائى، مؤسسه الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م.
٦. تفسير القرطبى اثر ابو عبد الله بن محمد بن أحمد الأنصارى القرطبى، مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٤١٨هـ - ١٩٩١م.



سيرت مختصر صحابيات

٧. التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج، دكتور وهبة الزحيلي، دار الفكر المعاصر بيروت، چاپ اول ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م.
٨. نساء أهل بيت، منصور الحكيم، المكتبة التوفيقية.
٩. الامام على أبى طالب، رابع الخلفاء الراشدين، دار الكتب العلمية، بيروت.
١٠. تاريخ مدينة السلام و أخبار محدثيها و ذكر قاطنيها العلماء من غير اهلها و وراديتها، ابوبكر احمد بن على بن ثابت الخطيب البغدادي، دار الغرب الإسلامى ٢٠٠١ م.
١١. الاستيعاب فى معرفة اصحاب، ابو عمر يوسف بن محمد بن عبدالبر. تحقيق على محمد البجاوى، دار الجليل بيروت، چاپ اول ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
١٢. البداية و النهاية، ابو الفداء الحافظ ابن كثير الدمشقى، دار الريان، ١٩٩٨ م.
١٣. الصحيح المسند فى فضائل الصحابة، ابو عبدالله، مصطفى العدوى، دار ابن عفان، السعودية، الخبر، چاپ اول ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.



سيرت مختصر صحابيات

١٤. الصواعق المحروقة على أهل الرفض و الضلال و الزندقة، اثر ابو العباس أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهيثمي، مؤسسة الرسالة بيروت، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.
١٥. الطبقات اثر ابن سعد، دار صادر، بيروت.
١٦. عقيدة إهل السنة و الجماعة فى الصحابة الكرام، د. ناصر على عائض حسن الشيخ، مكتبة الرشد، الرياض، چاپ اول، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م.
١٧. السنة اثر ابن بكر أحمد بن محمد الخلا، تحقيق د. عطية الزهرانى، دار الراية.
١٨. تاريخ الإسلام فى عهد الخلفاء الراشدين، محمد أحمد الذهبى، دار الكتاب العربى.
١٩. فتح البارى، المطبعة السلفية، چاپ دوم ١٤١٠ هـ.
٢٠. المدينة النبوية، فجر الإسلام و العصر الراشدى، محمد محمد حسن شراب، دار القلم - بيروت، الدراسات الشامية، بيروت، چاپ اول ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
٢١. تاريخ الطبرى اثر ابوجعفر، دار الفكر، بيروت، چاپ اول ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.
٢٢. السلسلة الصحيحة، اثر آلبنى، المكتب الإسلامى.



سيرت مختصر صحابيات

٢٣. معجم الطبراني الكبير، ابو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، مكتبة العلوم و الحكم چاپ دوم ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.
٢٤. تحقيق مواقف الصحابة في الفتن من روايات الطبرى و المحدثين، تأليف د. محمد أمحزون، دار طيبة، مكتبة الكوثر، رياض، چاپ اول، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
٢٥. لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور، دار صادر، بيروت.
٢٦. تاريخ المذاهب، ابو زهرة، دار الكفر العربى، چاپ اول.
٢٧. دار الحكم فى الإسلام، عارف أبو عبيد، دار النفائس، الأردن ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.
٢٨. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، ابو نعيم أحمد عبد الله الأصفهاني، دارالكتب العلمية، بيروت.
٢٩. فضائل الصحابة، ابو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل، دار ابن الجوزى السعودية، چاپ دوم. ١٤٢٠ - ١٩٩٩ م.
٣٠. صفة الصفوة اثر امام أبى الفرج بن الجوزى، دار المعرفة، بيروت.



سيرت مختصر صحابيات

٣١. السيرة النبوية، اثر ابن هشام، ابو محمّد بن عبدالملك بن هشام، دار الفكر، بدون تاريخ.
٣٢. تاريخ خليفة بن خياط، أبو عمر خليفة بن خياط بن أبي هبيرة الليثي، تحقيق أكرم ضياء العمرى، چاپ دوم، مؤسسه الرسالة، و دار اقليم، بيروت ١٣٩٧ هـ.
٣٣. الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي بن حجر، دار الكتب العلمية، بيروت.
٣٤. الولاية على البلدان في عصر الخلفاء الراشدين، د. عبدالعزيز أبراهيم العمرى.

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**